



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۲۴

استاد شاه محمود محمود

سبزوار یا شیندند فعلی بخش اول

مقدمه:

با این نوشته می‌خواهم رفع سوء تفاهیم در مورد سبزوار افغانستان و ایران خدمت شما عزیزان نکاتی ارایه نمایم. در یک پیام دوستی خواندم که شیندند را سبزوار خواندن خطاست. این دوست اضافه میکند سبزوار محل یا جای است در کشور ایران. اما زمانیکه به تاریخ گذشته سبزوار دقت گردد سبزوار تاریخی همین شیندند حالیه مربوط ولایت هرات است و این مطلب را نه تنها دانشمندان ایران و افغانستان بلکه دانشمندان خارجی نیز تأیید می نمایند. اسفزار یا سبزوار که از گذشته های دور تا امروز تابع ولایت هرات بوده است. امروز این شهر به نام شیندند مشهور است. این شهر با خطوط جغرافیایی ۳۳ درجه و ۱۸ دقیقه عرض البلد شمالی و ۶۲ درجه و ۸ دقیقه طول البلد شرقی قرار دارد. در سال ۱۳۴۳ هـ ش به ولایت فراه منضم شد اما دوباره به ولایت هرات ملحق گردید. شیندند تا سال ۱۳۱۸ هـ ش مطابق ۱۹۳۹ م به نام سبزوار مسمی بود. سبزوار نه تنها در آثار نویسنده گان داخلی و اسناد دولتی افغانستان به کرات ذکر شده است؛ آمده است. اروپائی ها که در قرن ۱۹ و ۲۰ م از کابل قندهار و هرات دیدن کرده اند، نیز از سبزوار نامبرده و ثبت نموده اند.

موهن لال کشمیری منشی برنس که سبزوار را در سال ۱۸۲۳ م مشاهده نموده، آن را با بهترین قسمت زرخیزه‌ند برابر می داند.

مونت استوارت الفستون، سیاستگذار انگلیس که در آغاز قرن ۱۹ م به کابل آمد در کتاب خویش (بیان سلطنت کابل) از سبزوار به عنوان حکومت سبزوار یا اسفزار نزدیک فراه یاد کرده که تحت اداره یک نفر درانی اداره میشد. (۱)

همچنان انجنیر هالندی ادریانوس فان لوتسنبورگ ماس، رئیس پروژه راه آهن آلمان در افغانستان که برای سروی خط آهن پلان شده سراسری افغانستان در واپسین روزهای سلطنت شاه امان الله از کابل به لوگر، غزنی، زابل، قندهار، هلمند، فراه و هرات (منجمله سبزوار، ادرسکن و کشک در سرحد ترکمنستان شوروی) رفته و نقشه اولیه راه آهن را طرح نموده بود، نام این ولسوالی را سه بار سبزوار نوشته است. (۲)

فراز و فرود نام سبزوار به شیندند:

شهر شیندند یا اسفزار یا اسفزار یا سبزوار با فاصله ۱۲۰ کیلومتر از مرکز ولایت هرات به سمت جنوب قرار دارد حدود اربعه اسفزار: شمالاً: به ولسوالی ادرسکن و قسمتی از ولسوالی غوریان ولایت هرات، جنوباً: به ولسوالی خاک سفید و فراه رود و ولسوالی اناردرد ولایت فراه شرقاً: به ولسوالی فرسی ولایت هرات و قسمتی به ولسوالی پرچمن ولایت فراه و غرباً به کشور ایران محاط است.

داکتر خلیل وداد در یک تحقیق خویش در مورد سبزوار می نگارد که: نام شیندند از سال ۱۹۳۰ م برابر به ۱۳۰۹ هـ ش از بالا از سوی حکومت مرکزی تحمیل و تبلیغ میشده است. چنانچه در مجله شماره ۱۴ آئینه شوری از دوره اول تا نهم (۱۳۱۰-۱۳۳۶ هـ ش) در صفحه ۲۲ در میان است وکلای دوره اول شورای ملی سال ۱۳۱۰-۱۳۱۲، نام حاجی ملا شیرین بحیث وکیل سبزوار آمده است. در حالیکه در تقسیمات سهمیه ولسوالی ها و حکومتداری های دولت مرکزی نام آن شیندند نوشته شده با سهمیه یک وکیل در شورای ملی.

در همین مجله در جمله وکیلان دوره دوم شورای ملی (سال های ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵) نام محمد سرورخان بحیث وکیل سبزوار آمده است. همچنان در است دوره سوم شورای ملی (۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ هـ ش) احمد جانخان بحیث وکیل سبزوار درج شده است.

مگر در احصائیه وکلای دوره چهارم شورای ملی ۱۳۱۹-۱۳۲۲ هـ ش مطابق ۱۹۴۰-۱۹۴۳ م، محمد حلیم بحیث نماینده (وکیل) مردم شیندند تذکر رفته است. و پس از این سال این نام رسماً جای سبزوار را گرفته و بحیث یک واحد اداری شامل هرات و پسانها فراه و سپس باز هرات شناخته شده است. (۳)

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

در پژوهش و تحقیقات مرحوم میرغلام غبار مؤرخ متعهد وطن که به سلسله جغرافیایی تاریخی در مجله کابل سال ۱۳۱۰ هـ ش انتشار یافته است؛ نشاندهنده آنست که شیندند هنوز در آن سال به سبزوار شهرت داشته است. موصوف در مورد اسفزار می افزاید که: محال اسفزار بی نهایت سرسبز و معمور بود، شهر اسفزار در زمانی تیمورلنگ در سال ۱۳۸۳ فرنگی دستخوش تاراج و قتل و غارت هولناکی گردید و مناری از اجساد دو هزار نفر زنده جان بریاشد. این تخریبات دومی بود که بعد چنگیز خان در اسفزار تطبیق گردید زیرا خرابی اول اسفزار از طرف عساکر چنگیز خان واقع شده بود. قلعه بالای کوه در فاصله نیم ساعت از اسفزار در دوره اسلام معمور و مسکون بوده و پسان ها خراب شد به قول اسفزاری صاحب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات که از خرابه های اسفزار وطن خود قصه میکند قلعه مذکوره مظفر کوه نامیده میشد. (۴)

وجه تسمیه اسفزار یا سبزوار:



اسفزار یا اسفزار نام قدیم ناحیه و شهری در جنوب هرات میباشد این نام در حدود العالم به صورت اسبزار (اسبوزار یا اسپوزار) نیز آمده است: او را چهار شهرست چون کواژان(۴)، ارسکن، کوژد(۴) و جراشان. و این هر چهار مقدار شش فرسنگ است جایی با نعمت است و مردمان او خوارج اند و جنگی. و در این ناحیت کوه بسیارست و استوار. (۵)

به گفته مارکوارت صورت فارسی آن اسبزار و برابر فارسی میانه (پهلوی) آن ، اسپچار به معنی « اسپ چر» یا « چراگاه اسپ» . (۶)

په گفته امین احمد رازی اسفزار در زمان او سبزوار شهرت داشت (۷) اما در متون تاریخی آن عصر و پس از آن به هردگونه (۸) و نیز به گونه کوتاه شده سبزار دیده می شود. (۹) آن را سبزوار هرات می نامیدند تا از شهر به همین نام (بیهق قدیم) در غرب نیشاپور متمایز شود (۱۰)



د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

سبزواری در متون و منابع جغرافیایی - تاریخی:

اسفزار در مسیر جاده مهم هرات به سیستان قرار داشته و به فراوانی آبهای روان و باغستان مشهور بوده است به گفته حافظ ابرو نواحی اسفزار بسیار آباد بوده و زمین های آن از کاریز ها و رودی به نام ادرسکن که از کوه غور سرچشمه می گرفته ، مشروب می شده است . این رود امروزه به نام هاروت یا هارود نام دارد و به سمت جنوب غربی به جهیل هامون می ریزد. (۱۱)

به گفته حافظ ابرو مؤرخ و جغرافیه دان قرن ۹ هـ ق = ۱۵ م ، ولایت اسفزار از سوی شرق به بلاد غور، از شمال به توابع هرات، از جنوب به توابع فراه و سیستان و از جانب غرب به بیابانی که میان قهستان و سبزار (از قریه های اسفزار) و فراه واقع است محدود می شود طول این ولایت از شمال به جنوب در حدود سه روز راه و عرض آن یک روز راه بوده است. (۱۲)

گفته اند که اسفزار را سام نریمان بنیاد نهاد و آبادان کرد و از روزگاران کهن و حتی در دوره اسلامی در زمره نواحی سیستان بوده است . (۱۳)

جغرافی دانان قرن ۴ هـ ق مطابق ۱۰م از جمله اصطخری ، ابن خردادبه ، ابن حوقل و مقدسی در آثار خویش؛ اسفزار را از نواحی خراسان دانسته اند (۱۴) به تصریح اصطخری اسفزار نام «کوره» بوده است نه شهر، و ابن حوقل اسفزار را از لحاظ فراوانی سیاه، شحنه و خراج فراتر از هرات دانسته است و مقدسی - در جایی که خراسان را شامل ۹ کوره و ۸ ناحیه نوشته، از اسفزار به عنوان یکی از نواحی هرات یاد کرده است. اسفزار به جز مرکز آن که اسفزار نام داشته از ۴ شهر دیگر به نامهای ادرسکر (ادرسکن) کواشان، کواران و کوشک تشکیل می شده که از میان کواشان از بقیه بزرگتر بوده است (۱۵)

اصطخری در مسالک الممالک و ابن حوقل در صورت الارض از یک شهر های دیگر این ولایت به نام خاستان (خاشان، جاشان) یعنی در سرحد جنوبی آن ، نیز نام برده اند. (۱۶) از میان این شهر ها ادرسکن و کوشک اینک از توابع هرات به شمار می آیند. (۱۷)

محمد زمجی اسفزاری در مورد زادگاه خویش در روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات می نویسد که: از لطایف قصبات و بدایع ولایات خطه اسفزار که مؤلد و منشأ مؤلف است. اگر تمامی خصایص او را گاهی تحریر نماید بعضی مطالعان که ندیده باشد تصور کنند که چون مسقط راس و مقام استیناس مصنف است در اوصاف آن مبالغه مینماید.

زمجی اضافه نموده می نویسد که : ویرانه من اگر چه زشت است چون خوی گرفته ام بهشت است اما از بیان بعضی چاره نیست. از قدیم لایام شهرتی تمام دارد که آن را باغچه هرات گویند. هر چند حالا به سبب حوادث و فترت روزگار در غایت ویرانی و پریشانی بوده است از آن جمله در یک طرف سواد او قلعه ایست که مشهور است به حصار مظفرکوه از خشت و گل ساخته اند، بر سر پاره کوه از سنگ خارا در غایت عظمت و رفعت. دور آن قریب به یک فرسنگ. (۱۸)

در لغت نامه دهخدا ؛ اسفزار. { آ / ا ف / ف } (ا خ) شهری از نواحی سیستان از جهت هرات و بدان منسوبست ابوالقاسم منصورین احمدین الفضل بن نصرین عصام الاسفزاری المنهاجی . (معجم البلدان). اسفزار شهری وسط است و چند پاره دیه توابع دارد و باغستان بسیار و میوه و انگور و انار آن فراوان باشد و در صورالاقالیم گوید اهل آنجا سنی شافعی مذهب اند و در دین متعصب . در زمان سلجوقیان این قصبه سمت مرکز ایالتی را داشت و شهاب الدین غوری ، برادر زاده خود غیاث الدین محمود را بولایت این ناحیت منصوب ساخته بود و مسقط الرأس بعضی مشاهیر است . (قاموس الاعلام ترکی). از توابع شهر هرات است ، بیست پاره قریه آباد دارد و مسکن جماعت ابدالی از قوم افغانه است. (۱۹)

ادامه دارد